

## رابطه‌ی احساس تعلق به شهر و مشارکت اجتماعی در مدیریت شهری

علی فیض‌اللهی<sup>۱</sup>

### چکیده

احساس تعلق به شهر نشانگر وجود ذهنیت مثبت افراد نسبت به محل سکونت و سایر شهروندان است و تداوم تعلق به شهر لاجرم شکلی از تعهد را برای شهروندان نسبت به محیط اجتماعی پیرامون در بر دارد. مشارکت در حیات اجتماعی شهر همواره موضوع مهمی در حوزه‌ی جامعه‌شناسی شهری بوده است. لذا این مقاله در صدد است تا رابطه‌ی احساس تعلق به شهر و مشارکت اجتماعی شهروندان در مدیریت شهری را بررسی کند. چارچوب نظری پژوهش متشکل از متغیرهای برگرفته شده از نظریه‌های دورکیم، پارسونز، دیویس، آنتونسیچ، گیدنز و پاتنام است. لذا در یک مطالعه‌ی پیمایشی از بین جامعه‌ی آماری مشتمل بر ۴۹۳۰۹ خانوار ساکن شهر ایلام، با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و نهایتاً تصادفی ساده، نمونه‌ای شامل ۳۳۴ نفر سرپرست خانوار را انتخاب نموده و با استفاده از پرسشنامه‌ای که اعتبار صوری آن به وسیله خبرگان مورد تایید قرار گرفته و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ، ۰/۷۸، محاسبه شده‌است، داده‌های مورد نظر گردآوری و تحلیل شده‌اند. نتایج حاصل از پژوهش نشان دهنده‌ی متوسط بودن میزان متغیرهای مشارکت اجتماعی شهروندان (۲/۰۴)، مشارکت مدنی (۲)، روحیه‌ی مشارکتی (۱/۹۲)، اعتماد به مدیران (۲/۰۱) و نیز میزان احساس تعلق به شهر (۲/۴۶) است و لذا عوامل اجتماعی مذکور در مشارکت اجتماعی در مدیریت شهر مؤثر هستند و در آزمون معادلات ساختاری روابط این متغیرها با متغیر وابسته تایید شده‌است. به طور کلی

نتایج بیانگر مشارکت اجتماعی متوسط شهروندان است ولیکن به دلیل مهاجرپذیری عمدتاً روستایی و درون استانی و ترکیب محله‌های شهری پتانسیل لازم جهت بهره‌مندی مدیریت شهری از ظرفیتهای مشارکتی شهروندان را دارد.

**واژه‌های کلیدی:** احساس تعلق، مشارکت اجتماعی، مدیریت شهری، مشارکت مدنی، ایلام.

### مقدمه و طرح مسئله

رابطه‌ی متقابل شهروندان و شهرداری و نحوه‌ی برقراری این روابط از موضوعات مهم و در خور توجه در هرگونه بحث و بررسی موضوع مشارکت در مدیریت شهری است و در جامعه‌شناسی شهری نیز از موضوعات با اهمیت محسوب می‌گردد. به طور کلی در مواجهه‌ی شهروندان با شهرداریها یا نظام مدیریت شهری می‌توان انواعی از مشارکت اجتماعی را متصور شد. بدین معنا که مشارکت و نحوه تعامل شهروندان در قبال موضوعات شهری و در ارتباط با مدیریت شهر می‌تواند مشارکت هنجارین، فعالانه، خلاقانه و همراه با اعتقاد به حق شهروند، مشارکت منفعلانه و همراه با احساس ناتوانی و نداشتن حق شهروندی و یا پیرومنشانه و دعوتی باشد. اینکه شهروندان به کدامیک از این شیوه‌ها در مواجهه با شهرداریها و نظام مدیریت شهری عمل می‌کنند، به عوامل متعددی از جمله احساس تعلق به شهر و ساکنان آن، احترام به قانون، برخورداری از حداقلی از رفاه و دستیابی به میزانی از امکانات آموزشی و ... بستگی دارد که از پیش نیازهای مرتبط با مفهوم مدرن شهروندی هستند. بررسی میزان و عوامل مشارکت در شهر ایلام از آنرو اهمیت مضاعف دارد که مرزی بودن استان ایلام، کوچکی اندازه، موقعیت حاشیه‌ای آن در نزد مراکز قدرت، آن را در مرکز هیچگونه توجهی از جانب حکومت قرار نمی‌داده است و از نظر تقسیمات کشوری تا سال ۱۳۴۳ جزیی از استان کرمانشاه بوده است تا اینکه در دهه‌ی ۱۳۴۰ بنا به دلایل نظامی، اداری و سیاسی به فرمانداری کل و سپس استان، ارتقاء می‌یابد. تعداد شهرهای استان از تنها یک مرکز

شهری در سال ۱۳۳۵ به چهار شهر در دهه پنجاه، شانزده شهر در دهه هشتاد و بیست و دو نقطه‌ی شهری در دهه‌ی نود افزایش یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵-۱۳۳۵). شکل‌گیری اولیه‌ی شهر ایلام مربوط به دوره‌ی پیشا سرمایه‌داری و آهنگ رشد آن بسیار بطئی و تدریجی بوده و رشد جمعیت آن ناشی از تحولات درونی ساختار جمعیت شهری بوده‌است و در این دوران شاهد مهاجرت از مناطق روستایی به شهر نبوده‌است. با آغاز روند مدرنیزاسیون در دوره رضاشاه و تخته قاپو کردن عشایر توسط وی و ایجاد تشکیلات اداری در شهر ایلام به رونق اندکی در گسترش آن منجر می‌شود و در زمان پهلوی دوم در دوره اصلاحات ارضی با فروپاشی مناسبات سنتی روستا و گسترش سازمانهای اداری در ایلام به واسطه‌ی استان شدن و شکل‌گیری نوعی اقتصاد خدماتی و تجاری داخلی در آن، شاهد مهاجرت روستاییان به این شهر بوده‌است. البته علاوه بر این موارد بایستی اشاره نمود که چنانکه برخی از محققین اذعان داشته‌اند در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ «مهمترین خصلت شهرنشینی سریع در ایران از حیث اقتصادی اتکای کامل آن به مازاد اقتصاد ملی یعنی درآمدهای حاصل از صدور نفت بوده است که منشاء بسیاری از آسیب‌ها و پدیده‌های شهری در دهه ۱۳۵۰ بوده است» (حسامیان، ۱۳۹۳: ۶۲) که البته کماکان شهرهای ایران با پیامدهای این مسائل، دست به گریبان هستند. لذا می‌توان این تیپ از شهرنشینی را در زمره‌ی تیپ «شهرنشینی مشکل‌زا» (همان، ۶۷) قرار داد که به دلیل انهدام ساختار مشاغل کشاورزی در روستا فاقد رابطه‌ی ارگانیک با روستاهای منطقه و به دلیل طفیلی بودن و وابستگی به بودجه‌های حاصل از فروش نفت، فقدان یا ضعف نیروی مولد در بخش تولید صنعتی و ... به شهرهایی پر مسئله و مشکل‌زا تبدیل می‌شده‌اند که از جلب مشارکت بخش خصوصی و شهروندان نیز بر نمی‌آیند. لذا افزون بر این مشکلات، به دلیل جوان بودن نظام شهری و نوپا بودن تجربه‌ی زیسته شهری بخش عمده‌ای از شهروندان و آشنایی اندک با الزامات زندگی شهری در بسیاری از شهرهای ایران از جمله ایلام احتمالاً مسائل بی‌شماری در زمینه‌های حیات اجتماعی از جمله نازل بودن احساس تعلق به شهر و مشارکت اجتماعی فعالانه

در زندگی شهری را در پی دارد و تا بالندگی نظام فرهنگی زیست شهری به زمان و نیز وقوع تحولات و کسب تجربه کافی نیاز وجود دارد. زیرا در جایی که سنت شهرنشینی قدمتی طولانی ندارد، فقدان یا قلت احساس تعلق به شهر می‌تواند پیامدهایی همچون مشارکت‌گریزی و بی‌تفاوتی اجتماعی را به دنبال داشته باشد. چنانکه بر اساس شواهد و مطالعات انجام شده در ایران موضوع مشارکت اجتماعی معنادار شهروندان در امور مرتبط با مدیریت شهری به عنوان یک مسئله‌ی اجتماعی بر ساخت شده است و تحقیقات متعددی در دو دهه‌ی اخیر این موضوع را به عنوان یک مسئله‌ی عمده‌ی نظام شهری از زوایای مختلفی همچون «فقدان سنتهای شهروندی»، «عدم مشارکت شهروندان در مدیریت شهر» (ابراهیم‌زاده و فاطمی‌نژاد، ۱۳۹۳؛ «اعتماد و مشارکت اجتماعی» (شاطریان و همکاران، ۱۳۹۶؛ «احساس تعلق محله‌ای و مشارکت اجتماعی» (جمشیدیها و همکاران، ۱۳۹۳)؛ زنگنه و همکاران (۱۳۹۳)؛ (نیکخواه و احمدی، ۱۳۹۶ و رزاقیان و همکاران، ۱۳۹۷) مورد بررسی قرار داده و به مسئله‌مندی آن اذعان داشته‌اند. همچنین، تا دوران معاصر، محله در شهرهای ایران همواره به مثابه‌ی عنصری بنیادین در شکل‌دهی به برهم‌کنشهای اجتماعی و ایجاد روابط اجتماعی تقریباً اولیه در سطح خرد ساختار شهری عمل می‌نموده و عاملی مهم در ایجاد و بسط تعلق اجتماعی به محله، اجتماعات بزرگتر و به طور کلی شهر محل سکونت فرد بوده است. ولیکن اکنون به نظر می‌رسد که روند شهرگرایی و سرعت تغییرات اجتماعی به گونه‌ای است که تغییر در الگوهای روابط اجتماعی، زوال دوستیها، آشناییها، هویت‌های محله‌ای و پیوستگیهای اجتماعی را در پی دارد و از این رو احساس تعلق به شهر نیز کم‌رنگتر شود. هدف کلی این مقاله سنجش میزان مشارکت اجتماعی شهروندان در مدیریت امور شهری است و از این رو به دنبال دستیابی به شناختی از میزان احساس تعلق اجتماعی به شهر و نیز رابطه‌ی آن با متغیرهای میانجی مشارکت مدنی، روحیه مشارکت‌جویی و اعتماد به مدیران شهری و نهایتاً اثر مستقیم و غیر مستقیم آن بر مشارکت اجتماعی هنجارمند شهروندان در مدیریت شهری است. به بررسی نهادن مسئله‌ی مشارکت اجتماعی از منظر رابطه‌ی احساس تعلق

اجتماعی به شهر و سنجش رابطه‌ی این دو در یک مدل معادلات ساختاری و نیز تمرکز اصلی بر متغیر احساس تعلق در مشارکت که در تحقیقات دیگران در این باره تا حدودی مغفول مانده است، جنبه‌ی نوآورانه‌ی این تحقیق است. بدیهی است که به بررسی نهادن مشارکت شهروندان در مدیریت شهری از آن رو ضرورت دارد که نتایج آن می‌تواند به مدیران شهری کمک کند تا با شناخت وضعیت موجود تمهیداتی را برای افزایش نقش اجتماعی شهروندان در اداره شهر ببینند و زمینه‌ی همبستگی و همدلی، کاهش تنش‌های روزمره‌ی گذران زندگی در شهر و افزایش حداقلی از میزان رضایت شهروندان را فراهم ساخته و نیز تقویت کارآمدی و مسئولیت‌شناسی مدیران شهری را در پی داشته باشد. لذا در این پژوهش سؤال‌های محوری این است که: اولاً مشارکت اجتماعی در بین مردم شهر ایلام، چه وضعیتی دارد؟ ثانیاً رابطه‌ی مشارکت اجتماعی شهروندان در مدیریت امور شهری با حس تعلق به شهر به چه نحوی است؟

### پیشینه‌ی پژوهش

جمشیدیها و همکاران (۱۳۹۳) دریافتند که متغیر شناخت محله‌ای بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته یعنی آمادگی برای مشارکت داشته است و در نتیجه بیشترین تأثیر را حس تعلق محله‌ای ایجاد می‌کند.

نادری و همکاران (۱۳۹۵) نشان می‌دهند که بین سالهای سکونت در محله، حس تعلق محله‌ای و آمادگی برای مشارکت در محله رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و نشان می‌دهند که مشارکت اجتماعی در محله تابعی از احساس تعلق به محله است.

فتحی و میرزاپوری (۱۳۹۵) دریافتند که افراد دارای پایگاه اقتصادی- اجتماعی بالاتر، به دلیل تعلق و همبستگی به اجتماع، احساس اثربخشی و قدرت اثرگذاری، قدرت تصور ارتباط میان آینده جامعه با آینده آنها و آگاهی از قواعد و الگوهای کنش اجتماعی، به رفتارهای مسؤولانه اجتماعی بیشتری مبادرت می‌ورزند.

شاطریان و حیدری سورشجانی (۱۳۹۶) دریافتند که نتایج آزمون رگرسیون حاکی از

آن است که در بین متغیرهای تحقیق، متغیر تعلق مکانی با وزن رگرسیونی ۰/۴۰. بیشترین اثر را در تبیین مشارکت اجتماعی دارد.

زیاری و همکاران (۱۳۹۶) دریافتند که در بین متغیرهای اصلی پژوهش، بین احساس امنیت محله‌ای با آمادگی برای مشارکت رابطه معنادار وجود دارد و حس تعلق به محله موجب مسئولیت‌پذیری افراد و در نهایت آمادگی برای فعالیتهای مشارکتی می‌شود.

نیکخواه و احمدی (۱۳۹۶) نشان داده‌اند که بین متغیرهای اعتماد اجتماعی، احساس تعلق اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، احساس بی‌قدرتی، سن، سطح تحصیلات، وضعیت شغل و درآمد با مشارکت اجتماعی شهروندان رابطه وجود دارد.

منیری فر و همکاران (۱۳۹۶) دریافتند که میزان مشارکت شهروندان بر اساس نظریه‌ی ارنشتاین در پایین‌ترین سطح آن قرار دارد و بر اساس نتایج حاصل از تحلیل مسیر می‌توان عواملی که بیشترین تأثیر را بر مشارکت اجتماعی داشته‌اند را اعتماد اجتماعی، مدیریت محله و احساس تعلق به محله دانست.

ملکشاهی و همکاران (۱۳۹۷) نشان داده‌اند که از بین انواع مشارکت شهروندان، مشارکت اجتماعی در وضعیت نسبتاً مطلوبی قرار داشته و چهار مؤلفه‌ی عضویت انجمنی، آگاهی، بی‌قدرتی و پایگاه اجتماعی اقتصادی با میزان مشارکت ارتباط معناداری داشته‌اند.

رزاقیان و همکاران (۱۳۹۷) دریافتند که متغیرهای احساس تعلق مکانی و رضایت از خدمات شهری در زمینه فضای سبز با تمایل بیشتر به مشارکت در مدیریت شهری رابطه دارد و حاشیه‌نشینی مشارکت را کاهش می‌دهد.

رحیمی و همکاران (۱۳۹۹) نشان دادند که احساس تعلق مکانی، هویت مکانی را در افراد شکل داده و در یک رابطه‌ی علی غیر مستقیم، افزایش مشارکت اجتماعی و افزایش سرمایه اجتماعی را در پی دارد.

رشادی (۱۳۹۹) نشان می‌دهد که ابعاد سه‌گانه‌ی (نهادی، عام و بین فردی) اعتماد اجتماعی با مشارکت اجتماعی همبسته است و ارتقای میزان مشارکت اجتماعی

شهروندان در گرو افزایش سطح اعتماد اجتماعی است.

فالونگ<sup>۱</sup> (۲۰۱۲) در مطالعه‌ی تعلق و مشارکت دریافت که با وجود تمایل قوی مهاجران روستایی به اقامت اما به دلیل داشتن مشکلات اقتصادی، مشارکت کم‌رنگی در امور محله دارند. جیسوس و ساید<sup>۲</sup> (۲۰۱۴) دریافتند که شهروندان عموماً وظیفه‌ی حفظ اماکن و فضاهای عمومی را وظیفه‌ی مقامات دولتی می‌دانند و نداشتن فرصت زمانی و عدم وجود یک مجموعه‌ی سامان‌دهنده‌ی فعالیتهای مشارکتی موانع اصلی مشارکت شهروندان در زمینه‌ی مشارکت در امور عمومی هستند. آبلان<sup>۳</sup> (۲۰۱۸) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان تعلق و مشارکت اجتماعی دریافت که در اسپانیا بنا به هویت‌های منطقه‌ای و گروه‌های اجتماعی متعدد، مناطق دارای هویت منطقه‌ای قوی‌تر، درصد مشارکت بالاتری را نشان می‌دهند. زنبر<sup>۴</sup> (۲۰۲۰) در بررسی نقش عوامل مؤثر بر مشارکت فعال شهروندان دریافت که تعلق و تعهد به جامعه به واسطه‌ی اندازه، حمایت اجتماعی و ادراک شهروندان از خدمات محلی و رهبران بر مشارکت اجتماعی اثر می‌گذارند. جیانگ و ژن<sup>۵</sup> (۲۰۲۱) در مطالعه‌ی رضایت از خدمات اجتماعی و احساس تعلق اجتماعی نشان دادند که رضایت از خدمات اجتماعی بر ایجاد احساس تعلق و مشارکت در جامعه اثر مثبتی بر جای می‌گذارد. تأثیر اعتماد به سازمانهای اجتماعی بر احساس تعلق به جامعه هم بازتاب توانایی در اداره جامعه و هم واسطه‌ای برای بهبود احساس تعلق ساکنان به جامعه و مشارکت اجتماعی است.

### جمع‌بندی تحقیقات پیشین

در پژوهش‌های قبلی رابطه‌ی متغیرهای احساس تعلق به مکان، احساس هویت و تعلق محله‌ای، و احساس تعلق به جامعه را به عنوان متغیر مستقل با مشارکت اجتماعی مورد بررسی قرار داده‌اند. اما در تحقیق حاضر رابطه‌ی احساس تعلق به شهر به عنوان متغیر

1. Fulong
2. Jausus & Said
3. Abellán
4. Zanbar
5. Jiang & Zhen

مستقل تحقیق و اثر مستقیم و غیر مستقیم آن بر مشارکت اجتماعی شهروندان در مدیریت شهری در قالب مدل معادلات ساختاری مورد آزمون قرار گرفته است.

### مبانی نظری

جهت تبیین رابطه‌ی متغیر اصلی و مستقل تحقیق یعنی احساس تعلق با متغیر وابسته‌ی مشارکت اجتماعی شهروندان در مدیریت شهری لازم است این دو مفهوم را به لحاظ نظری و مفهومی بررسی کنیم. مفهوم تعلق از جمله مفاهیمی است که به دلیل تفاوت‌های بین رشته‌ای و دلالت‌های عمیق آن دارای پیچیدگی‌های زیادی است. تعلق را باید از نظر روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، چشم‌اندازهای فیزیکی و معنوی متمایز دانست. از نظر روان‌شناختی، تعلق یک احساس عاطفی یا ارزیابی درونی یا درک است. از نظر جامعه‌شناسی، تعلق به عضویت در گروه‌ها یا نظام‌ها دلالت دارد. با استفاده از این دیدگاه، تعلق را می‌توان از طریق ارجاعات رفتاری همچون عضویت در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، مشاهده و توصیف کرد. این ارجاعات رفتاری نظیر مالکیت اشیاء و اماکن، نشانه‌های فیزیکی تعلق هستند و از نظر معنوی، تعلق یک رابطه‌ی متافیزیکی به یک موجود یا مکان است که در سطح عام وجود دارد (هاگرتی<sup>۱</sup> و همکاران، ۱۹۹۲: ۱۷۴).

مفهوم تعلق اجتماعی<sup>۲</sup> در علوم اجتماعی به تعلق عاطفی، اجتماعی و محلی نیز تعبیر شده است و ایده‌های همانندی و دو سویه بودن، کیفیت متابعت و دلبستگی اعم از مکانی، حسی، مادی یا غیر مادی را در بر می‌گیرد، به گونه‌ای که رایت<sup>۳</sup> آنرا «مفهومی لغزان، بدیهی، منعطف و خود نمایان» (رایت، ۲۰۱۵: ۳۹۱) در زندگی روزمره می‌نامد. می‌توان گفت که «مفهوم تعلق، دلبستگی فرد به گروه‌های اجتماعی خاص یا اجتماعاتی است که همگی مشتمل بر واژه‌هایی مشحون از معانی مشابه هستند که توسط نویسندگان مختلف به کار گرفته شده‌اند» (کالهن، ۲۰۰۳). این تعلق و همبستگی‌های اجتماعی در

---

1. Hagerty  
2. social belonging  
3. Wright



واقع هویت‌های تغییرناپذیری نیستند که صرفاً توسط یک مکان، فضا، اجتماع یا موقعیت جغرافیایی مشخص تعریف شوند بلکه آنها گروه‌هایی از افراد را در بر می‌گیرند که بر اساس ارزش‌های مشترک، نگرش‌ها و فرهنگ‌ها، دلبستگی‌های عاطفی به مکان‌ها، فضاها، افراد، حیوانات و چیزهای مادی یا با شرکت در جریان‌های خاص ایده‌ها، فرهنگ‌ها و رویه‌های اجتماعی تشکیل شده‌اند (همان: ۵۳۸). کالهن<sup>۱</sup> همچنین شیوه‌های بسیار متفاوت سازمان دادن به انسجام اجتماعی را «وابستگی متقابل در مبادله، سهمیم بودن در یک فرهنگ مشترک نظیر زبان، مراجع و عادات مشترک، عضویت در گروه‌های تعریف شده فرهنگی مانند ملت، طبقه، قبیله و غیره، شبکه‌های پیوند دهنده افراد مانند سازمان بوروکراتیک، محله و ارتباطات عمومی همچون گروه‌های غریبه اما دارای موضع مشترک نسبت به یک موضوع و نهایتاً ایجاد روابط جدید با دیگران ناشی از اجبارهایی که زندگی آنان را شکل می‌دهد مثل تبعید» می‌داند (همان، ۵۴۸).

پس مشخص است که احتمالاً تعلق به مکان یا گروه اجتماعی خاصی می‌تواند طیف بی‌پایانی از شیوه‌ها را شامل شود که بنا به نوع رابطه، الگوی همبستگی اجتماعی یا زمینه‌های اجتماعی که افراد در آنها قرار دارند، متفاوت باشند اما در یک چیز سهمیم‌اند و آن درگیر شدن عواطف و احساسات علیرغم شیوه‌های متفاوت تعلق است. نمونه‌ی عینی چنین تعبیری از حس تعلق، تجربه ارتباط عاطفی با خانواده، گروه همسالان یا مکان خاصی است. چنانکه دیویس<sup>۲</sup> به عنوان یکی از تأثیرگذارترین نظریه‌پردازان تعلق تأکید می‌کند که «احساس تعلق فقط به عضویت، حقوق و وظایف مربوط نمی‌شود... و همچنین نمی‌توان آن را به هویت، که در مورد روایت‌های فردی و جمعی در باره‌ی خود و دیگران است یا در باره‌ی اسطوره‌های مبدا و سرنوشت است، تقلیل داد. بلکه تعلق داشتن یک نیاز عاطفی عمیق در افراد است» (دیویس، ۲۰۱۰: ۲۱۵). با این حال، از نظر دیویس هویت همیشه یک ساختار تکرار شونده است که شامل تبدیل شدن به یک حالت دائمی و درگیرانه است که در آن فرآیندهای ساخت هویت از جمله تعلق انجام

1 . Calhoun

2 . Davis

می‌شود (دیویس، ۲۰۱۰: ۲۷۱). در اینجا نیز پیداست که دیویس حتی در روایت‌های هویت نیز نشان می‌دهد که افراد در سرمایه‌گذاری‌های عاطفی خویش به تعلق داشتن و پیوستگی به مکانها، فضاها، اشیاء و همبستگی‌های اجتماعی خاص و هویتی که به آنها نسبت می‌دهند یا تمایل دارند، اهمیت می‌دهند.

به نظر آنتونسیچ<sup>۱</sup> نیز احساس تعلق از دل‌بستگی فرد به یک مکان، قلمرو، مکان جغرافیایی یا فضای نمادین آشنا نشئت می‌گیرد که احساس «دل‌بستگی و ریشه داشتن در» جایی را به فرد می‌دهد، جایی که فرد در آن احساس راحتی، امنیت و حس در خانه‌ی خود بودن می‌کند (آنتونسیچ، ۲۰۱۰: ۶۴۷). او این احساس شخصی، خودمانی از دل‌بستگی به خود و مکان را به عنوان رابطه‌ی «تعلق مکان» توصیف می‌کند. وی استدلال می‌کند که پنج عامل در ایجاد رابطه «تعلق مکان» نقش دارند: اول) عوامل زندگی‌نامه‌ای مانند تاریخ شخصی، تجربیات، روابط و خاطراتی که فرد را به یک مکان خاص دل بسته می‌کنند. دوم) عوامل رابطه‌ای یا علقه‌های شخصی و اجتماعی که زندگی فردی را که به یک مکان معینی مانند دوستان و اعضای خانواده دل بسته است را غنی می‌کند. سوم) عوامل فرهنگی مانند زبان، مذهب و آداب و رسوم فرهنگی که موجب برانگیختن «احساس گرم» در اجتماع و در بین افرادی می‌شود که مانند خودشان هستند. چهارم) عوامل اقتصادی از آن‌رو که کمک می‌کند تا «یک شرایط مادی ایمن و پایدار برای فرد و خانواده‌اش ایجاد شود. پنجم) عوامل حقوقی که تأیید می‌کنند که شما ایمن و متعلق هستید، مانند منزلت شهروندی یا اجازه اقامت (آنتونسیچ، ۲۰۱۰: ۶۴۸).

مشارکت اجتماعی نیز نزد جامعه‌شناسان، روانشناسان، علمای علم سیاست و علوم مدیریتی دارای مضامین و مؤلفه‌هایی که عموماً بر نقش داشتن و سهیم بودن در تصمیمات، اجرا و ارزیابی برنامه‌ها و موضوعات هدف مشارکت اجتماعی اشعار دارند. چنانکه آرنشتاین<sup>۲</sup>، مشارکت را «توزیع مجدد قدرت می‌داند که شهروندانی را که در حال حاضر از فرآیند سیاسی و اقتصادی کنار گذاشته شده‌اند را قادر می‌سازد تا به تدریج در

---

1. Antonsich  
2. Arnstein

آینده شرکت داده شوند» (آرنشتاین، ۱۹۶۹). به نظر زیمل دگرگونی سریع و بدون وقفه‌ی محرکهای بیرونی و درونی فرد محصول شدت تحریکات عصبی فرد در کلان شهر است که بنیانهای روان‌شناختی او را شکل می‌دهند و لذا واکنشهای او در شهر بایستی لزوماً عاقلانه و هوشمندانه باشد نه احساساتی (زیمل، ۱۳۹۹: ۴۹۴). در همین راستاست که زیمل الگوی مشارکت فرد را در جامعه‌ی سنتی روستایی متأثر از حلقه‌های اجتماعی بلافصل و نزدیک و بر عکس در کلان شهر در گرو وابستگی به حلقه‌های متکثری می‌داند که در صورت مشروع دانستن آنها، کنش مشارکتی وی را موجه می‌سازد. از نظر پارسونز، مشارکت اجتماعی فرایندی آگاهانه، خلاقانه و مبتنی بر اهداف خاصی است که در چارچوب یک نظام اجتماعی کل رخ می‌دهد. لذا وی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی را فرهنگ، نظام باورها، نیازها و اجتماعی شدن افراد می‌داند.

از دیدگاه پارسونز می‌توان متغیرهای معطوف به مشارکت نظیر عضویت در نهادها و تشکلهای مدنی را به عنوان مکانیزم دستیابی به هدف از یک سو و کارکرد انسجام‌بخش آن از سوی دیگر باز شناخت. در همین زمینه و براساس نظریه کنش اجتماعی وی، عواملی چون عناصر محیطی، ارزشهای غایی، وضعیت ساختاری جامعه، تمایلات و نیازهای فردی و اجتماعی و «متغیرهای الگویی مبتنی بر پنج لایه‌ی سنخ‌شناسی سنتی مدرن است که ناظر بر انتخاب بر سر دوراهیهای ارزشی براساس بین کیفیت و اجرا؛ گستره تقاضاها در رابطه؛ توقع و عدم توقع خشنودی عاطفی؛ گزینش بر اساس نوع عضویت و گزینش بر اساس الزام جمعی یا احساس وظیفه است که از جمله عوامل تأثیرگذار بر مشارکت اجتماعی فعال هستند» (والاس و ولف، ۱۳۹۶: ۷۴-۶۶).

به عقیده‌ی لرنر<sup>۱</sup> مشارکت با متغیرهای شهرنشینی، تحصیلات و دسترسی داشتن به رسانه‌ها همبسته است و اعتقاد دارد که میزان همبستگی این متغیرها وابسته به تیپ شخصیتی افراد جامعه است. بدین معنا که همراه با فرایند نوسازی جامعه و ظهور شخصیت متجدد و مدرن میزان همبستگی بین متغیرهای فوق‌الذکر افزایش

می‌یابد. لیپست<sup>۱</sup> در بررسی مشارکت اجتماعی و سیاسی، متغیرهای اجتماعی مختلفی را مؤثر می‌داند. از جمله، متغیرهای اجتماعی همچون تحصیلات، محل سکونت، شغل، درآمد و وضعیت تأهل را مورد توجه قرار داده است و مشارکت اجتماعی و سیاسی را مرهون داشتن تحصیلات بالاتر و در نتیجه آگاهی بالاتر و سرانجام علاقه‌مندی بیشتر طبقات اجتماعی بالاتر می‌داند تا عضویت در طبقات پایین اجتماعی (دارابی و همکاران، ۱۳۹۸). بوردیو<sup>۲</sup> (۱۳۹۴)، جامعه را یک نظام سلطه می‌داند که سلطه‌ی خویش را به شکلی فرایندی، بواسطه‌ی اعمال خشونت نمادین، غیرمستقیم و به تعبیر بوردیو «زیباسازی»، از طریق منش، باز تولید می‌کند. بنا بر این می‌توان گفت که نگاه افراد جامعه به مقوله‌ی مشارکت اجتماعی، تحت تأثیر ساختار اجتماعی و منش افراد است و رفتار مشارکتی در بستر مناسبات و ساختارهای جامعه، فرهنگ جامعه‌ی موردنظر، سرمایه‌ی کلی در اختیار فرد بویژه سرمایه‌ی فرهنگی او معنا می‌یابد.

آرنشتاین الگوی مشارکت شهروندان را با استفاده از استعاره‌ی «نردبان مشارکت شهروندی» که دارای مراتبی از مشارکت است، مطرح نموده است (آرنشتاین، ۱۹۶۹: ۲۱۶-۲۲۴). مدل مشارکت آرنشتاین بین عدم مشارکت و مشارکت شهروندان بر حسب درجات متفاوت مشارکت نمایشی و مشارکت واقعی یا مقتدرانه تمایز قائل می‌شود. آرنشتاین مشارکت واقعی را در بالاترین پله‌ی نردبان (نظارت شهروند) می‌بیند. از محاسن این نردبان این است که تفاوت مشارکت صوری و ساختگی را از مشارکت واقعی نمایان می‌سازد.

دریسل<sup>۳</sup> نیز مشارکت را به دو نوع کلی الف) مشارکت ناسالم یا عدم مشارکت اعم از «دستکاری و تقلب، تزئین، و مساوات طلبی نمایشی» و مشارکت سالم یا درست اعم از «مشاوره، بسیج اجتماعی، مسئولیت‌پذیری مردم و سهم شدن آنان در تصمیمات می‌داند» (دریسل، ۲۰۰۲: ۳۲-۴۱).

به طور کلی، مشارکت اجتماعی شهروندان در مدیریت امور شهری در این تحقیق؛

---

1 . Lipset  
2 . Bourdieu  
3. Driskell

شرکت مؤثر افراد در امور جمعی از طریق بسیج کلیه امکانات بالقوه یا بالفعل یا هر نوع عملی است که به جهت برطرف نمودن مشکلی یا رفع نیازی به صورت جمعی و گروهی در میان افراد جامعه شهری بعمل می‌آید و بر اساس نظریه‌های مطرح شده از مشارکت کم تا مشارکت بالا را در بر می‌گیرد و تحت تاثیر متغیرهای احساس تعلق به شهر برگرفته از مفاهیم مدنظر آنتونسیچ، کالهن و دیویس بعنوان متغیر مستقل همراه با متغیرهای میانجی؛ داشتن روحیه‌ی مشارکت‌جویانه مد نظر آلموند و پاول، عضویت در نهادهای مدنی مد نظر زیمل<sup>۱</sup> و پارسونز، و نیز اعتماد به مدیران شهری است و با شاخصهایی نظیر شرکت در انتخابات شورای شهر، مشارکت در حفاظت از پارکها و فضای سبز، شرکت در تصمیم‌گیریهای محلی، پیگیری امور محله و انعکاس مشکلات به مدیران شهر، ارائه پیشنهاد جهت حل مشکلات محله به مسئولان، مشارکت در امور مذهبی، هیأت‌ها و مساجد و نیز مشارکت در پرداخت عوارض شهری سنجیده می‌شود.

### فرضیه‌های پژوهش

با توجه به پیشینه نظری و تجربی پژوهش، رابطه بین احساس تعلق به شهر به عنوان متغیر مستقل و روحیه مشارکت‌جویی، اعتماد به مدیران شهرداری و مشارکت مدنی به عنوان متغیرهای میانجی و مشارکت اجتماعی در مدیریت شهری به عنوان متغیر وابسته در قالب فرضیات تحقیق مورد آزمون قرار گرفتند.

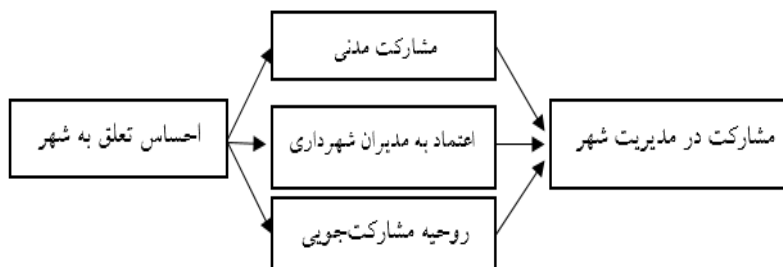
### مدل تحلیلی تحقیق

در مطالعه‌ی حاضر برای تبیین موضوع رابطه‌ی احساس تعلق اجتماعی به شهر و مشارکت اجتماعی، از طریق بررسی برخی از نظریه‌های جامعه‌شناسی مرتبط با موضوع و تحقیقات پیشین، مفاهیم، سازه‌ها و متغیرها و معرفه‌های متناسب گزینش شده‌اند و در

---

۱. مراد از مشارکت مدنی در جامعه مدرن در نظریه زیمل وابستگی و عضویت در حلقه‌های متکثر است و در جامعه سنتی در حلقه بلافصل.

مدل تحلیلی زیر جهت تبیین جامعه‌شناختی رابطه‌ی احساس تعلق و مشارکت اجتماعی در مدیریت شهری ارائه گردیده‌اند.



شکل ۱. مدل تحلیلی پژوهش

**روش تحقیق:** رویکرد این پژوهش یک رویکرد قیاسی است که به روش پیمایشی انجام شده است. واحد تحلیل آن فرد شهروند است و واحد مشاهده و واحد تحلیل در این تحقیق، واحد است. سطح تحلیل پژوهش، خرد است و قلمرو موضوعی آن عوامل اجتماعی مرتبط با متغیر وابسته‌ی تحقیق یعنی مشارکت اجتماعی شهروندان در مدیریت امور شهری است. با توجه به ماهیت و قلمرو پژوهش، نمونه از طریق روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای برای نواحی چهارده‌گانه و نهایتاً نمونه‌گیری تصادفی ساده انجام شده است تا سرپرستان خانوار شانس مساوی برای انتخاب شدن داشته باشند. جامعه‌ی آماری در این پژوهش سرپرستان خانوار است. برای برآورد حجم نمونه، از فرمول تعیین حجم نمونه کوکران استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق شامل ۴۹۳۰۹ خانوار ساکن در شهر ایلام در سال ۱۳۹۵ است (سالنامه آماری استان ایلام، ۱۳۹۵) و نمونه تحقیق شامل ۳۳۴ نفر از سرپرستان خانوار است. در این پژوهش، ابتدا داده‌ها به نرم افزار spss وارد شده و پس از انجام محاسبات آمارهای توصیفی، بنا به نوع مقیاسهای اندازه‌گیری، جهت آزمون میزان و نوع رابطه‌ی متغیرهای تحقیق از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است و در مرحله‌ی بعدی برای آزمون مدل تحقیق از نرم افزار Lisrel برای آزمونهای معادلات ساختاری استفاده شد.

جدول ۱. تعریف عملیاتی متغیرها

تعریف عملیاتی	پایه نظری	نوع متغیر	متغیر
در برگزیده عضویت فرد در نهادهای مدنی	پارسونز، دوز	میانجی	مشارکت مدنی
احساس مسئولیت در حفظ محیط شهری، نگرش به شهر مانند خانه خود، تعلق امکانات شهری به همه شهروندان، احساس آرامش از سکونت در این شهر	دورکیم، پارسونز، دیویس، آنتونسیچ،	مستقل	احساس تعلق اجتماعی به شهر
تمایل به مشارکت، مهم دانستن عضویت در نهادهای مشارکتی، ضرورت وجود نهادهای مشارکتی، باور به نقش مشارکت در اداره بهتر امور	فیش باین و آیزن، اینگلهارت	میانجی	روحیه مشارکت جویی
آمادگی پذیرش انتقاد و پیشنهاد از سوی مدیران شهرداری، صداقت و تعهد مدیران شهرداری، توانایی مدیران شهرداری	اینگلهارت، پاتنام، گیدنز	میانجی	اعتماد به مدیران شهری
شرکت در انتخابات شورای شهر، مشارکت در حفاظت از پارکها و فضای سبز، شرکت در تصمیم‌گیری‌های محلی، پیگیری امور محله و انعکاس مشکلات به مدیران شهر، ارائه پیشنهاد جهت حل مشکلات محله به مسئولان، مشارکت در امور مذهبی، هیأت‌ها و مساجد همکاری با شهرداری در زمینه جمع‌آوری زباله و تمیزی شهر، مشارکت در پرداخت عوارض شهری	-	وابسته	میزان مشارکت در مدیریت شهری

برای تعیین اعتبار ابزار اندازه‌گیری ابتدا از شیوه اعتبار محتوا استفاده شده و اعتبار صوری آنها مورد تایید متخصصان قرار گرفت. برای تعیین پایایی، از شیوه‌ی همسازی پاسخ فرد به گویه‌ها یعنی همبستگی گویه به گویه استفاده شده است، در این روش، شاخص کل و مقیاس، آماره‌ای است به نام آلفا که دامنه آن از ۰ تا ۱ است. هر چه آلفا بیشتر باشد، پایایی مقیاس بیشتر خواهد بود. طبق قاعده تجربی، آلفا دست کم باید ۰/۷۰ باشد تا بتوان مقیاس را دارای پایایی بشمار آورد. اندازه آلفا به پایایی تک تک گویه‌ها بستگی دارد (دواس<sup>۱</sup>، ۱۳۹۷: ۲۵۳).

جدول ۲. ضرایب پایایی مربوط به پرسشنامه‌ی تحقیق

پرسشنامه		متغیرها
ضریب پایایی	تعداد گویه‌ها	
۰/۷۹	۴	روحیه مشارکت‌جویی
۰/۷۱	۴	میزان احساس تعلق به شهر
۰/۷۷	۳	اعتماد به مدیران شهرداری
۰/۸۱	۷	میزان مشارکت در مدیریت شهری
۰/۷۸	۸۵	ضریب پایایی کل پرسشنامه

### یافته‌های پژوهش

#### جدول ۳. توزیع پاسخگویان بر حسب میزان احساس تعلق به شهر

ردیف	نوع	تعداد	٪	زیاد	بسیار زیاد	مقادیر گویه‌ها	
						فراوانی	درصد
-	۳۳۴	۸	۲۷	۱۲۹	۱۷۰	فراوانی	احساس مسئولیت در حفظ محیط شهر
-	۱۰۰	۲/۴	۸/۱	۳۸/۶	۵۰/۹	درصد	
-	۳۳۴	۱۱	۴۰	۱۲۳	۱۶۰	فراوانی	شهر را مانند خانه خود دانستن
-	۱۰۰	۳/۳	۱۲	۳۶/۸	۴۷/۹	درصد	
۲	۳۳۲	۱۲	۳۴	۱۱۷	۱۶۹	فراوانی	متعلق دانستن امکانات شهر به همه شهروندان
--	۱۰۰	۳/۶	۱۰/۲	۳۵/۲	۵۰/۹	درصد	
۱	۳۳۳	۶۴	۷۵	۱۱۳	۸۱	فراوانی	احساس آرامش از سکونت در این شهر
--	۱۰۰	۱۹/۲	۲۲/۵	۳۳/۹	۲۴/۳	درصد	

اطلاعات جدول ۳ نشان می‌دهد که در زمینه‌ی «احساس مسئولیت در حفظ محیط شهر»، ۵۰/۹ درصد بسیار زیاد، در زمینه‌ی «مانند خانه خود دانستن شهر»، ۴۷/۹ درصد این احساس را در حد بسیار زیاد؛ در مورد «متعلق دانستن امکانات شهر به همه شهروندان» ۵۰/۹ درصد این میزان را بسیار زیاد و در مورد میزان «احساس آرامش از سکونت در این شهر» نیز ۳۳/۹ درصد میزان آن را بسیار زیاد ذکر کرده‌اند.

#### جدول ۴. توزیع پاسخگویان بر حسب میزان مشارکت در امور شهری



ردیف	مقدار	گویه‌ها	میانگین	انحراف معیار	توزیع نرمال	توزیع کولموگوروف-سмирنوف	توزیع کولموگوروف-سмирنوف
۶	۳۲۸	۵۵	۲۵	۲۴	۴۴	۱۸۰	شرکت در انتخابات
--	۱۰۰	۱۶/۸	۷/۶	۷/۳	۱۳/۴	۵۴/۹	شورای شهر
۹	۳۲۵	۵۷	۷۲	۷۹	۴۵	۷۲	مشارکت در حفاظت
--	۱۰۰	۱۷/۵	۲۲/۲	۲۴/۳	۱۳/۸	۲۲/۲	پارک و ...
۶	۳۲۸	۷۸	۸۱	۷۹	۴۷	۴۳	شرکت در
--	۱۰۰	۲۳/۸	۲۴/۷	۲۴/۱	۱۴/۳	۱۳/۱	تصمیم‌گیری‌های محله‌ای (شورایاری)
۷	۳۲۷	۸۸	۱۰۲	۷۱	۳۵	۳۱	پیگیری امور محله و
--	۱۰۰	۲۶/۹	۳۱/۲	۲۱/۷	۱۰/۷	۹/۵	انعکاس ...
۵	۳۲۹	۹۴	۷۵	۸۹	۴۱	۳۰	ارائه پیشنهاد جهت حل
--	۱۰۰	۲۸/۵	۲۲/۸	۲۷/۱	۱۲/۵	۹/۱	مشکلات محله به مسئولان
۴	۳۳۰	۸۱	۷۹	۶۴	۵۳	۵۳	همکاری با شهرداری در
--	۱۰۰	۲۴/۵	۲۳/۹	۱۹/۴	۱۶/۱	۱۶/۱	زمینه جمع‌آوری زباله و تمیزی شهر
۵	۳۲۹	۴۵	۴۱	۵۰	۸۰	۱۱۳	پرداخت عوارض
--	۱۰۰	۱۳/۷	۱۲/۵	۱۵/۲	۲۴/۳	۳۴/۳	شهری

اطلاعات جدول بالا حاکی از این است که ۵۴/۹ درصد در زمینه‌ی مشارکت در انتخابات شورای شهر، ۳۴/۳ درصد در زمینه‌ی مشارکت در پرداخت عوارض شهری، ۲۲/۲ درصد در زمینه‌ی مشارکت در حفاظت از پارک و فضای سبز و ... ، ۱۶/۱ درصد در زمینه‌ی همکاری با شهرداری در زمینه جمع‌آوری زباله و تمیزی شهر، ۱۳/۱ درصد در زمینه‌ی شرکت در تصمیم‌گیری‌های محلی، ۹/۵ درصد در زمینه‌ی پیگیری امور محله و انعکاس مسائل محله به شهرداری و ۹/۱ درصد در زمینه‌ی ارائه پیشنهاد جهت حل مشکلات محله به مسئولان همیشه مشارکت داشته‌اند. به جز شرکت در انتخابات در بقیه موارد شرکت شهروندان در حد متوسط یا کمتر بوده‌است.

جدول ۵. توزیع پاسخگویان بر حسب میزان احساس تعلق به شهر

درصد	فراوانی	مقادیر مقولات
۶/۳	۲۱	احساس تعلق اجتماعی پایین
۴۱	۱۳۷	احساس تعلق اجتماعی متوسط
۵۲/۷	۱۷۶	احساس تعلق اجتماعی بالا
۱۰۰	۳۳۴	جمع

اطلاعات جدول فوق نشان می‌دهد که ۵۲/۷ درصد از پاسخگویان دارای احساس تعلق اجتماعی بالا بوده‌اند. میانگین احساس تعلق به شهر، ۲/۴۶ است که تا حدی بیش از متوسط ارزیابی می‌شود.

#### جدول ۶. توزیع پاسخگویان بر حسب میزان مشارکت در مدیریت شهر

درصد	فراوانی	مقادیر مقولات
۲۷/۵	۹۱	مشارکت اجتماعی پایین
۴۸/۹	۱۶۲	مشارکت اجتماعی متوسط
۲۳/۶	۷۸	مشارکت اجتماعی بالا
۱۰۰	۳۳۱	جمع
--	۳	بی‌جواب

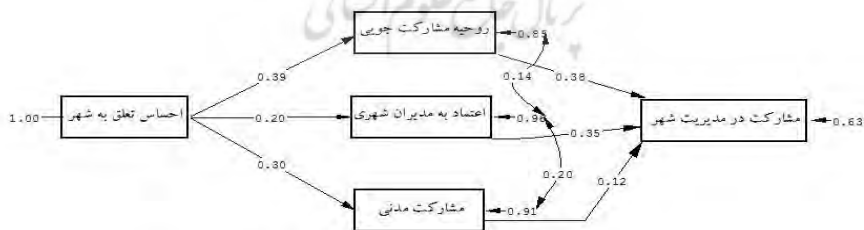
اطلاعات جدول فوق نشان می‌دهد که ۴۸/۹ درصد از پاسخگویان دارای میزان مشارکت متوسط بوده‌اند. میانگین مشارکت حدود ۱/۹۶ است که در حد تقریباً متوسط است.

#### جدول ۷. آزمون فرضیات: متغیر وابسته مشارکت اجتماعی در مدیریت شهری

آزمون/متغیر	روحیه مشارکت‌جویی	اعتماد به مدیران	احساس تعلق به شهر	مشارکت مدنی
روش آزمون	پیرسون	پیرسون	پیرسون	پیرسون
ضریب آزمون	۳۴۰/	۲۸۴/	۳/	۳۴۵/
سطح معناداری	۰۰۰/	۰۰۰/	۰۰۰/	۰۰۰/
نتیجه	تایید	تایید	تایید	تایید
تعداد	۳۱۵	۳۱۹	۳۲۸	۳۳۱

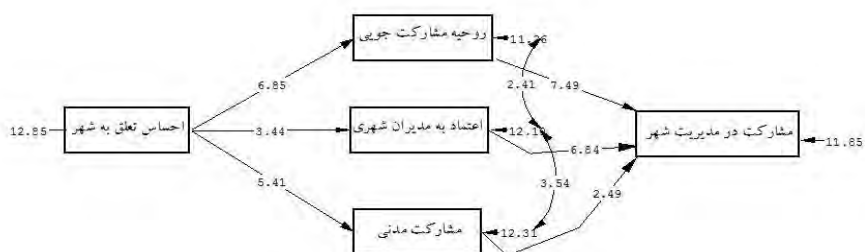
رابطه‌ی هر یک از متغیرهای تحقیق با متغیر مشارکت اجتماعی در مدیریت شهری با

استفاده از ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که رابطه بین متغیرهای روحیه مشارکت‌جویی و مشارکت (۰/۲۰۵) با معناداری در سطح ۹۹ درصد اطمینان؛ اعتماد به مدیران و مشارکت (۰/۲۸۴) با معناداری در سطح ۹۹ درصد اطمینان؛ احساس تعلق به شهر و مشارکت (۰/۳) با معناداری در سطح ۹۹ درصد اطمینان و نیز مشارکت مدنی و مشارکت در مدیریت شهر (۰/۳۴۵) با معناداری در سطح ۹۹ درصد اطمینان تایید می‌شوند. نتایج آزمونهای فوق حاکی از این است که علاوه بر وجود احساس تعلق شهروندان نسبت به شهر، اعتماد به مدیریت شهری، داشتن روحیه مشارکت‌جویانه و مشارکت در نهادهای مدنی، مشارکت اجتماعی ولو متوسطی در مدیریت شهری را موجب می‌گردند. متوسط اما مثبت بودن میزان همبستگی این مؤلفه‌ها با مشارکت اجتماعی نشانگر این است که می‌توان با تمهیداتی زمینه‌ی ارتقای میزان هر کدام از متغیرهای موصوف را فراهم نموده و به تبع آن بر نقش‌آفرینی فعالانه‌تر شهروندان در مشارکت اجتماعی در شهر افزود. از آنجایی که تعلق به عضویت در گروه‌ها یا نظامها دلالت دارد، می‌توان آن را از طریق ارجاعات رفتاری همچون مشارکت مدنی و عضویت در شبکه‌های اجتماعی و محلی مشاهده کرد و ایده‌های همانندی، دوسویه بودن و دلبستگی اعم از مکانی، حسی، مادی یا غیر مادی را در بر می‌گیرد. تعلق به مکان یا گروه اجتماعی خاصی می‌تواند طیف بی‌پایانی از روابط و درگیر شدن در امور اجتماعی از جمله مشارکت اجتماعی در امور شهری را در بر گیرد. زیرا تعلق با نحوه‌ی ادغام و دلبستگی اجتماعی همبسته است و مشارکت اجتماعی می‌تواند ملموس‌ترین نمود آن باشد.



Chi-Square=0.37, df=2, P-value=0.83036, RMSEA=0.000

شکل ۲- تخمین ضرایب استاندارد مدل



Chi-Square=0.37, df=2, P-value=0.83036, RMSEA=0.000

شکل ۳- تخمین مقادیر t

جدول ۸. آزمون نیکویی برازش ساختار نظری با داده‌های مشاهده شده

اثر		ضرایب استاندارد شده، معنی داری و نتیجه رابطه							
غیر مستقیم	مستقیم	مقادیر استاندارد شده		مقدار t		نتیجه			
-	احساس تعلق بر مشارکت مدنی	۰/۳۰		۵/۴۱		معنی دار			
-	احساس تعلق بر اعتماد به مدیران شهر	۰/۲۰		۳/۴۴		معنی دار			
-	احساس تعلق بر روحیه مشارکت	۰/۳۹		۶/۸۵		معنی دار			
-	مشارکت مدنی بر مشارکت در مدیریت شهر	۰/۱۲		۲/۴۹		معنی دار			
-	اعتماد به مدیران شهری بر مشارکت در مدیریت شهر	۰/۳۵		۶/۸۴		معنی دار			
-	روحیه مشارکت جویی بر مشارکت در مدیریت شهر	۰/۳۸		۷/۴۹		معنی دار			
احساس تعلق بر مشارکت در مدیریت شهری		-		۰/۱۲		۶/۸۱		معنی دار	
Latent Variables Model	X <sup>2</sup>	df	GFI	AGFI	R.MR	SRMR	NFI	IFI	P-Value
	۰/۳۷	۲	۱	۱	۰/۱۴	۰/۰۰۷۹	۱	۱	۰/۸۳

معیارهای نیکویی برازش مدل با داده‌ها نشان می‌دهند که بر اساس مدل طراحی شده، مقدار شاخص GFI، ۱ است. بنابراین، مدل دارای برازش خوبی است و مقدار شاخص AGFI به عنوان تصحیح یافته شاخص GFI، ۱ است. مقدار شاخص RMR در مطالعه حاضر، ۰/۱۴ است. هر چه RMR برای مدل مورد آزمون به صفر نزدیک تر باشد، مدل مورد نظر برازش بهتری دارد. همچنین در مدل طراحی شده، مقدار SRMR برابر با ۰/۰۷۹ بوده است. ارزش عددی شاخص نسبی «کی دو» در مدل مورد نظر ۰/۳۷ است که می‌توان گفت این عدد نشانگر این است که بنا به «کی دو» بدست آمده، مدل از برازش مناسبی برخوردار است. مقدار NFI برابر یا بزرگتر از ۰/۹، شاخص خوبی برای برازندگی مدل‌های نظری است و در مدل طراحی شده حاضر مقدار این شاخص برابر با ۱ بوده است. با توجه به جدول شماره (۸)، بر اساس مقادیر  $t$  و مقادیر استانداردشده، تمامی روابط معنادار است. همچنین، شاخص‌های نیکویی برازش مدل حاکی از آن است که مدل بدست آمده با مدل نظری تحقیق تفاوت معناداری ندارد. سطح معناداری مدل ۰/۸۳ است که این نشانگر رد فرض تحقیق یا همان  $H_1$  و پذیرش فرض  $H_0$  است.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، پس از مرور ادبیات نظری مربوط به مفاهیم اصلی تحقیق - احساس تعلق به شهر و مشارکت اجتماعی در مدیریت شهری - و مرور هدفمند پیشینه‌ی تجربی تحقیق در حوزه‌ی علوم اجتماعی، متغیرهای برگزیده‌ی حاصل از مرور نظری و تجربی مورد کنکاش قرار گرفته‌اند. نتایج تحقیق نشان داد که میانگین میزان احساس تعلق به شهر در حد بیش از متوسط بوده و میانگین میزان مشارکت اجتماعی نیز در حد متوسط است. در این بررسی، معلوم شد که مشارکت اجتماعی و ایفای نقش شهروندان در مدیریت شهر با عوامل اجتماعی‌ای همچون احساس تعلق به شهر، روحیه مشارکتی، اعتماد به مدیران و نیز مشارکت مدنی مرتبط است و در آزمون معادلات ساختاری نیز

مشخص شد که احساس تعلق بر مشارکت مدنی، اعتماد به مدیران شهر، روحیه مشارکت‌جویی، و نیز مشارکت مدنی بر مشارکت در مدیریت شهر، اعتماد به مدیران شهری بر مشارکت در مدیریت شهر، و روحیه مشارکت‌جویی بر مشارکت در مدیریت شهر به صورت مستقیم و احساس تعلق به شهر به صورت غیرمستقیم از طریق متغیرهای فوق بر مشارکت اجتماعی در مدیریت شهری اثرگذار هستند. همچنین نتایج این تحقیق با نظریه‌های مرتبط با متغیر مشارکت مدنی یا عضویت انجمنی مد نظر پارسونز، دوز، لیپست که مشارکت افراد در فعالیتهای اجتماعی و در نهادها و سازمانهای مشارکت‌پذیری چون شهرداریها را ناشی از مشارکت آنان در نهادهای مدنی می‌دانند، همراستا است. اکنون در جمع‌بندی نهایی می‌توان نتایج این تحقیق را با دیگر تحقیقات انجام گرفته در مورد همین موضوع، مقایسه نمود و مدعی شد که نتایج مربوط به رابطه‌ی بین احساس تعلق به شهر و مشارکت اجتماعی با نتایج تحقیقات: نادری و همکاران (۱۳۹۵) معناداری رابطه‌ی «حس تعلق به محله و مشارکت اجتماعی»؛ صفری و موسوی (۱۳۹۵) «رابطه‌ی مشارکت با احساس تعلق محله‌ای»؛ شاطریان و حیدری سورشجانی (۱۳۹۶) «احساس تعلق مکانی، رضایت‌مندی از خدمات شهری و مشارکت اجتماعی»؛ زیاری و همکاران (۱۳۹۶) «حس تعلق به محله و آمادگی برای فعالیتهای مشارکتی»؛ نیکخواه و احمدی (۱۳۹۶) «احساس تعلق اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی با مشارکت اجتماعی» و منیری‌فر و همکاران (۱۳۹۶) «مدیریت محله و احساس تعلق به محله» همخوانی دارد. به لحاظ نظری نیز دیدگاه‌های نظری متعددی بر رابطه‌ی احساس تعلق و مشارکت اجتماعی شهروندان در اداره شهر به طور خاص تأکید کرده‌اند، از جمله: دیویس (۲۰۱۰): «احساس تعلق فقط به عضویت، حقوق و وظایف مربوط نمی‌شود ... بلکه تعلق داشتن یک نیاز عاطفی عمیق در افراد است» (دیویس، ۲۰۱۰: ۲۱۵). او نشان می‌دهد که احساس تعلق از دل‌بستگی فرد به یک مکان، قلمرو، مکان جغرافیایی یا فضای نمادین آشنا نشئت می‌گیرد که احساس «دل‌بستگی و ریشه داشتن در»

جایی را به فرد می‌دهد، جایی که فرد در آن احساس راحتی، امنیت و حس در خانه‌ی خود بودن می‌کند (آنتونسیچ، ۲۰۱۰: ۶۴۷). در تحقیق حاضر با وجودی که پاسخگویان میزان احساس مسئولیت در حفظ محیط شهر و مؤلفه‌ای مانند خانه‌ی خود دانستن شهر را بالا اعلام نموده‌اند، اما میزان احساس آرامش از سکونت در این شهر را متوسط ذکر کرده‌اند و میانگین کلی میزان احساس تعلق آنان در حد متوسط به بالاست. با این وجود، یافته‌های تحقیق در رابطه با محله‌ی سکونت پاسخگویان نشان می‌دهد که ۷۳ درصد از آنان محله‌ی سکونت خود را در حد زیاد برای سکونت مناسب دانسته و حدود ۷۹ درصد نیز در حد زیادی از ساکنان محله خود رضایت دارند. شهر ایلام از جمله شهرهایی است که توزیع جمعیت در بخش عمده‌ای از آن به ویژه در محله‌های قدیمی‌تر عمدتاً متشکل از پیوندها و هویت‌های ایلی و طایفه‌ای بوده است و می‌دانیم که چنین ساختاری از نظر اجتماعی و بافتار فرهنگی مبتنی بر ویژگی‌هایی همچون همبستگی سنتی، خاص‌گرایانه، دارای روح جمعی، آیین‌های همیاری‌گرایانه، پدرسالارانه و متأثر از مناسبات محلی و ایلیاتی است و محصول چنین وضعیتی، این است که حتی جامعه‌پذیری شهروندی‌اش متأثر از مبانی خویشاوندی و احساس بیگانگی نسبت به بیرون از حلقه‌های اجتماعی بلافصل باشد و پیامد خطیر این گونه‌ی اجتماعی شدن می‌تواند ضعف بنیادهای شهروندی باشد که فقدان یا تعویق شکل‌گیری مفهوم شهروندی و عدم مواجهه‌ی مناسب با موضوعات پیرامون از جمله مشارکت اجتماعی در امور شهر را در پی داشته باشد. با وجود اینکه برآیند شکل‌گیری چنین ساختار شهری‌ای متشکل از افراد شهرنشین - ولو ناشهروند - این است که تمامی بافتارهای فرهنگی اجتماعی شهروندی آرمانی را در خود می‌بلعد یا بی‌اثر می‌کند اما گسترش شهرنشینی، افزایش میزان تحصیلات و بنیادگذاری نهادهای مدرن، ساختار اجتماعی فرهنگی موصوف را دچار فتور و دگرگونی نموده است. این گونه‌ی فرهنگی با مختصات موصوف، پتانسیل این را دارد که با برنامه‌ریزی مناسب و علمی احساس تعلق و همراهی با تبار و محله را به

احساس تعلق به شهر ارتقا داده یا با استفاده از ویژگیهای پیش‌گفته‌ی چنین فرهنگی مشارکت اجتماعی آنان در امور محله و شهر را برانگیخت. لذا با وجود سنتهای دراز دامن معطوف به کنشهای همیاری‌گرایانه و مشارکت‌جویانه در جامعه‌ی سنتی و روستایی استان که می‌توانست به یمن حضور مهاجران روستایی حامل تعلقات طایفه‌ای به شهرهای رو به رشدی نظیر ایلام به مشارکت اجتماعی مؤثر مردم در امور شهری منجر شود اما به نظر می‌رسد مدیران شهری از این سنتهای ریشه‌دار در فرهنگ روستایی بهره‌برداری لازم را در جهت جلب مشارکت اجتماعی شهروندان به عمل نیاورده‌اند. نتایج این تحقیق نشان دهنده‌ی میزان مشارکت اجتماعی متوسط شهروندان ایلامی در مدیریت شهر است و از سویی دیگر میزان کلی تعلق به شهر بالاتر از حد متوسط بوده است و می‌دانیم که احساس تعلق به شهر دارای سطوح مختلفی است و نتایج نیز نشان می‌دهند که میزان مشارکت در بین پاسخگویان دارای احساس تعلق پایین و بالا متفاوت است. بدین معنا که هر اندازه میزان تعلق بیشتر شود، میزان مشارکت اجتماعی در مدیریت شهر نیز از آن تبعیت می‌کند.

### پیشنهادها

- لازم است به مدیریت شهری به مثابه‌ی امری فراتر از سازمان شهرداری نگریده شود و بقیه‌ی سازمانهای خدمت‌رسان که خدماتی نظیر گاز، آب، برق و امور مخابراتی را ارائه می‌کنند و تصمیمات آنها بر معیشت، تمشیت امور زندگی و روابط افراد با دیگر شهروندان و سازمانها اثر می‌گذارد، سامانه یا پایگاهی ذیل عنوان ستاد مدیریت شهری تشکیل شود که اولاً متولی هماهنگی مدیران سازمانهای مرتبط با مدیریت شهری باشد و ثانیاً ضوابط و راهکارهایی برای امکان ارتباط مؤثر شهروندان با مدیریت شهری فراهم کند.

- برگزاری جلسات ماهیانه مدیران شهری نواحی با شهروندان و توجه به نظرات مشارکت‌طلبانه آنان.



- ارائه مشوقهائی به شهروندان فعال در امر ارتباط با شهرداری در مسایلی از قبیل پرداخت به موقع عوارض، پیگیری امور محله، همکاری با شوراییاریهای محلات و از این قبیل.

- انجام تحقیقات کیفی در ارتباط با مشارکت اجتماعی شهروندان، وجهه نظرهای شهروندان پیرامون موضوعات شهری، وضعیت نشاط اجتماعی و راهکارهای ارتقای آن و توجه به نتایج حاصل از تحقیقات در تصمیم‌گیریها.

- تمرکز اصلی این تحقیق بر متغیرهای سطح فردی و برخی از متغیرهای نهادی بوده است. جلب مشارکت شهروندان در مدیریت شهری مستلزم توجه به متغیرهای سطح کلان (ساختاری) و میانی (سطح سازمانهای اداری و نهادهای اجتماعی) نیز هست و لازم است در تحقیقات دیگری به پرسش گذاشته شوند.

#### منابع:

- ابراهیم‌زاده، عیسی و فاطمی‌نژاد، خدیجه (۱۳۹۳). تحلیلی بر مشارکت شهروندی و مدیریت شهری در شهرهای کوچک. *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، ۵(۱۶)، ۳۸-۱۹.
- بورديو، پیر (۱۳۹۴). *مسائل جامعه‌شناسی*. ترجمه پیروز ایزدی، تهران، انتشارات نسل آفتاب.
- جمشیدیها، غلامرضا؛ پروایی هره دشت، شیوا؛ پیری، صدیقه؛ ادیب حاج باقری، ثریا (۱۳۹۳). بررسی نقش احساس تعلق محله‌ای در افزایش مشارکت اجتماعی (قلعه تهران). *مطالعات جامعه‌شناسی شهری*، ۴(۱۲)، ۲۴-۱.
- حسامیان، فرخ؛ اعتماد، گیتی و حائری، محمدرضا (۱۳۹۳). *شهرنشینی در ایران*، تهران. نشر آگاه، چاپ هفتم.
- دارابی، مسعود؛ رضاپور، ناصر و موسی‌رضایی، سهیل (۱۳۹۸). بررسی جامعه‌شناختی تاثیر عملکرد پایگاه خدمات اجتماعی بر میزان مشارکت اجتماعی (مطالعه موردی: شهر ورامین). *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۱۸(۴۳)، ۳۷-۲.

دواس، دی. ای (۱۳۹۷). **پیمایش در تحقیقات اجتماعی**. ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران، نشر نی، چاپ هجدهم.

رحیمی، روح‌الله؛ انصاری، مجتبی؛ بمانیان، محمدرضا و مهدوی‌نژاد، محمدجواد (۱۳۹۹). **رابطه‌ی حس تعلق به مکان و مشارکت در ارتقای سرمایه اجتماعی سکونتگاه‌های غیر رسمی**. **فصلنامه معماری شهر پایدار**، ۶(۱)، ۲۹-۱۵.

رزاقیان، فرزانه و فروغزاده، سیمین (۱۳۹۷). **سنجش عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان در نگهداری فضای سبز در شهر مشهد**. **مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای**، ۱۶(۲)، ۱۰۱-۷۳.

رشادی، منوچهر (۱۳۹۹). **بررسی ارتباط میان اعتماد و مشارکت اجتماعی (در شهرهای همدان)**. **مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران**، ۹(۴)، ۹۳۰-۹۰۷.

زنگنه، یعقوب؛ حسین‌آبادی، سعید؛ روشن‌دل، تکتم و نبی‌پور، رضا (۱۳۹۳). **تأثیر تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی و سرمایه اجتماعی بر بهسازی مشارکتی محلات قدیمی: نمونه موردی محله سرده سبزوار**. **مجله برنامه‌ریزی شهری**، ۵(۱۹)، ۱۲۸-۱۱۱.

زیاری، کرامت‌الله؛ حاتمی، احمد و مصباحی، سحر (۱۳۹۶). **بررسی عوامل مؤثر بر افزایش مشارکت اجتماعی با تأکید بر احساس تعلق محله‌ای (مطالعه موردی: نورآباد دلفان)**. **دو فصلنامه علمی-پژوهشی جغرافیای اجتماعی شهری**، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۴(۲)، ۸۶-۶۹.

زیمل، گئورگ (۱۳۹۹). **در باره فردیت و فرم‌های اجتماعی**. ترجمه شهناز مسمی‌پرست، تهران، نشر ثالث، چاپ سوم.

شاطریان، محسن و حیدری سورنجانی، رسول (۱۳۹۶). **بررسی و تحلیل میزان مشارکت اجتماعی شهروندان (مطالعه موردی شهر بزرک)**. **جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی**، ۴(۱۰)، ۲۰۹-۱۹۱.

صفری، سحر و موسوی، سید یعقوب (۱۳۹۶). **رشد شهرگرایی و احساس تعلق محله‌ای**. **برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای**، ۲(۳)، ۳۲-۱.

فتحی، سروش و میرزاپوری ولوکلا، جابر (۱۳۹۵). **بررسی تأثیر پایگاه اقتصادی اجتماعی بر مشارکت اجتماعی**. **فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان**، ۷(۲۲)، ۱۰۰-۸۷.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). سالنامه آماری استان ایلام.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن. شهرستان ایلام.

ملکشاهی، غلامرضا؛ نیکپور، عامر و غلامی، سپیده (۱۳۹۷). شناخت و ارزیابی عوامل مرتبط با مشارکت شهروندان در مدیریت شهری، *مجله جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۵(۱۲)، ۳۲۷-۳۵۰.

منیری فر، س.؛ اسماعیلی، ر.؛ حقیقیان، م. و ایمانی جاجرمی، ح. (۱۳۹۶). مطالعه جامعه‌شناختی محله محوری و مشارکت اجتماعی. *مطالعات علوم اجتماعی ایران*، ۱۴(۵۴)، ۱۰۹-۹۲.

نادری، احمد؛ شیرعلی، ابراهیم و قاسمی کفرودی، سجاد (۱۳۹۵). بررسی حس تعلق محله‌ای و نقش آن در مشارکت اجتماعی. *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۶(۳)، ۲۰-۷.

نیکخواه، هدایت‌الله و احمدی، زهرا سادات (۱۳۹۶). بررسی عوامل فرهنگی-اجتماعی مؤثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان بندرعباس. *فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی - فرهنگی*، ۶(۱)، ۱۸۴-۱۵۹.

والاس، روث ا. و ولف، الیس (۱۳۹۶). *نظریه‌های معاصر جامعه‌شناسی*. ترجمه مهدی داودی، تهران، نشر ثالث.

Abellán, I. P. (2018). Belonging and social participation: The role of education in perceptions of belonging and experience of citizenship in Spanish youth. *Master of Philosophy in Comparative and International Education*, University of Oslo.

Antonsich, M. (2010). Searching for belonging, an analytic framework. *Geography Compass*, 6 (4), 644-659.

Arnstein, S. R. (1969). A Ladder of Citizen Participation. *JOPA*, 35, (40), 216-224.

Calhoun, C. (2003). Belonging in the cosmopolitan imaginary. *Ethnicities*, 3(4), 531-568.

Driskell, D. (2002). *Creating Better Cities with Children and Youth* (A manual for participation). Unesco Publishing and Earthscan Publication Ltd.

Fulong, W. (2012). Neighborhood Attachment, Social Participation, a Wllliggee Syyy C'''''' '' Lww-Income Communities. *Urban Affairs Review*, 48 (4) 547- 570.

- Hagerty, B. M. K., Sauer, J. L., Patusky, K. L., Bouwsema, M. & Collier, P. (1992). Sense of Belonging: A Vital Mental Health Concept, **Archives of Psychiatric Nursing**, 4 (3), 172-177.
- Jausus, N. & Said, I. (2014). Barriers to Participation in Neighborhood Public Space maintenance. Paper presented in The **First International conference of IASUR** (International Alliance for Sustainable Urbanization and Regeneration), Kashiwa City, Chiba.
- Jiang, P. & Zhen, F. (2021). The role of community service satisfaction in the influence of community social capital on the sense of community belonging: a case study of Nanjing, China. **Journal of Housing and the Built Environment**, <https://doi.org/10.1007/s10901-021-09862-9>.
- Wright, S. (2015). More-than-human, emergent belongings: A weak theory approach. **Progress in Human Geography**, 39 (4), 391–411.
- Yuval-Davis, N. (2010). eee rrzz// g tttttt t eey fffff ffa OOrrr dichotomy. **Patterns of Prejudice**, 44, 261-280.
- Zanbar, L. (2020). Sense of Belonging and Commitment as Mediators of the Effect of Community Features on Active Involvement in the Community. **City & Community**, 19 (3), 617-637.